

نقش رسانه‌های جمعی در بروز و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی^{۱۱}

رسولی زهره^{۱۲}

حسین نژاد فهیمه^{۱۳}

چکیده

در جهان امروز، نقش مؤثر رسانه‌های جمعی، بویژه رادیو و تلویزیون در تغییر یا تداوم نگرش‌ها و ایجاد رفتارهای مورد انتظار، موضوعی مورد توافق دانشمندان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی است. بیشتر کشورها از طریق برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی سعی در کنترل و پیشگیری آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی دارند و رادیو و تلویزیون وسیله مناسبی برای رسیدن به اهداف برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی است. از سوی دیگر رسانه‌های جمعی می‌توانند خود عامل بروز آسیب‌های اجتماعی باشند. به طور کلی در زمینه تاثیر وسائل ارتباط جمعی بر آسیب‌های اجتماعی سه دسته رویکرد نظری وجود دارد: رویکرد آسیب‌زایی رسانه‌ای، رویکرد تطهیر رسانه‌ای، رویکرد مشروط رسانه‌ای مقاله حاضر ضمن تحلیل و بررسی این سه دسته نظریه، به تبیین کارکردهای مثبت و منفی رسانه‌های جمعی، بالاخص رادیو و تلویزیون در حوزه آسیب‌های اجتماعی پرداخته است و بر این فرض تاکید دارد که رسانه‌های جمعی به طور ذاتی آسیب‌زا نیستند و نوع استفاده از آنها هست که می‌تواند موجبات تاثیرگذاری منفی یا مثبت آنها را فراهم نماید. واژگان کلیدی: رسانه‌های جمعی، آسیب‌های اجتماعی، نقش، پیشگیری

مقدمه

آمارها نشان می‌دهند، در سال‌های اخیر، جرایم، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی افزایش یافته است و آسیب‌شناسان اجتماعی هر روزه در رسانه‌های جمعی هشدار می‌دهند که سن مجرمان در حال کاهش است و در بُردار گروه‌های سنی، به سمت گروه‌های سنی جوان و حتی نوجوان در حال پیشروی است. نگرانی از چنین وضعیتی باعث شده است تا سازمان‌های مختلف در جهت کاهش، کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بر فعالیت‌های تدبیری و تحقیقی خود بیفزایند.

^{۱۱} این مقاله بر گرفته از پژوهشی تحت همین عنوان از مولف در مرکز تحقیقات صدا و سیما می‌باشد.

^{۱۲} فوق‌لیسانس پژوهشگری و مدرس دانشگاه تبریز

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز

یکی از ابزارهای مهم و مورد توجه و سفارش کارشناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی در جهت کاهش میزان جرایم و انحرافات اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی بویژه رادیو و تلویزیون است. رادیو و تلویزیون می‌تواند مخاطبان خود را از طریق تغییر نگرش و ارتقای سطح آگاهی آنان، از جرایم و انحرافات اجتماعی دور سازد. اما باید در نظر داشت که ماهیت پیچیده و در عین حال متنوع رسانه‌ها، به گونه‌ای است که آنها را می‌توان از یک سو عامل کنترل و پیشگیری و از سوی دیگر موجب بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه دانست. در حقیقت، وضعیت و ماهیت رسانه‌ها، مانند شمشیر دو لبه‌ای است که باید با دقت و ظرافت به آنها نگریست. بنابراین لازم است ضمن شناخت کارکردهای مثبت و منفی رسانه‌های جمعی بویژه رادیو و تلویزیون، حدود تأثیرگذاری و آثار ایجابی و سلبی آنها در حوزه آسیب‌های اجتماعی به صورتی واقع‌بینانه شناخته شوند و در راستای کنترل و پیشگیری از این آسیب‌ها مورد عنایت و استفاده قرار گیرند. در این نوشتار سعی بر این است که تاثیر وسائل ارتباط جمعی بالاخص رادیو و تلویزیون بر بروز، کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پرداخته شود و در نهایت پیشنهادهایی جهت ایفای نقش موثر رادیو و تلویزیون در کاهش آسیب‌های اجتماعی ارائه گردد.

بیان مسئله

امروزه در هیچ جای جهان جامعه‌ای را نمی‌یابیم که مصون از انواع آسیب‌های اجتماعی باشد. دگرگونی‌های فناورانه و تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیامدهای خواسته یا ناخواسته آنها، زمینه را برای بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی در همه جای دنیا فراهم کرده است. بیکاری، اعتیاد، خشونت، انواع بزهکاری، کودکان کار، کودکان خیابانی، فرار دختران و ده‌ها مسائل دیگر آسیب‌های اجتماعی‌ای هستند که در تمامی جوامع، چه پیشرفته و چه در حال توسعه، وجود دارند. کشور ما نیز به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد و بافت جمعیتی بسیار جوان و تحولات اجتماعی سریع در سطح جامعه، بروز انقلاب، جنگ تحمیلی، تهاجم فرهنگی و ... شاهد افزایش رو به رشد آسیب‌های اجتماعی است. (معمدی، ۱۳۸۱: ۱۱)

در طول تاریخ، هر جامعه‌ای برای قاعده‌مندی رفتار اعضای خود، هنجارهایی را تعریف و نهادینه کرده و آنها را به رعایت آن قواعد و هنجارها ملزم ساخته و در برابر تخلف و سرپیچی از آنها نیز واکنش نشان داده و مجازات‌هایی را تعیین کرده است. متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسان نیز به منظور کاهش هنجارشکنی افراد جامعه، به بررسی علل و عوامل مؤثر در انحرافات و بروز کجروی‌های اجتماعی پرداخته و در عصر ارتباطات به تأثیر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی بالاخص رسانه‌های دیداری - شنیداری در کنترل یا گسترش انحرافات اجتماعی اشاره کرده‌اند. (شفیعی‌سروستانی، ۱۳۸۵: ۱). در جهان امروز وسایل ارتباط جمعی منابع عمده

آفرینش و پویایی فرهنگ به شمار می‌روند. قدرت و توان این ابزارهای فکری آنچنان است که بدون حضور آنها، دسترسی به جامعه‌ای با فرهنگ پویا، دست نیافتنی و محال به نظر می‌رسد. چشم‌انداز اطلاعاتی مردم هر جامعه، خود ریشه در آگاهی‌هایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کند. در این مورد می‌توان بیان داشت که رسانه‌ها سپهر اطلاعاتی هر جامعه را پی می‌افکنند و دانستنی‌های اعضای آن را رقم می‌زنند. کارکرد رسانه‌های دیداری - شنیداری و نوشتاری در سپهر یاد شده می‌تواند شفاف یا تاریک و مبهم باشد.

رسانه‌های جمعی اعم از روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، گاه از انحرافات اجتماعی نظیر قتل، تجاوز، خشونت و ... پرده برمی‌دارند و زوایای پنهان داستان‌های عشقی و جنایی را برای مخاطبان خود آشکار می‌سازند و انواع دام‌هایی را که بر سر راه جوانان قرار دارد به آنها گوشزد می‌کنند و علل لغزش دیگران را برای مخاطبان به تصویر می‌کشند و با اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب برای اعضای جامعه، در پیشگیری و کنترل انحرافات اجتماعی نقش موثری ایفا می‌کنند. رسانه‌های جمعی با شناخت آسیب‌های مختلف اجتماعی و گزارش آن به کنشگران اجتماعی، نسبت به گسترش انواع نابهنجاری‌ها هشدار می‌دهند و بدین ترتیب کنشگران اجتماعی را از نوع رفتارها و خرده فرهنگ‌های کجرو آگاه می‌کنند و مانع افتادن آنها در دام این خرده فرهنگ‌ها می‌شوند.

وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش‌های هنری، نفرت و زشتی تزلزل باورها و ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطبان خود القا کنند و با اطلاع‌رسانی در مورد وقوع جرایم و انحرافات اجتماعی و کیفیت وقوع و ابعاد و راه‌های لغزش افراد به سوی کجروی و هنجارشکنی مانع بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی شوند.

اما با وجود کارکرد مثبت رسانه‌ها در زمینه اطلاع‌رسانی و پیشگیری از جرم و دادن آگاهی به مردم، بویژه قشر جوان، این رسانه‌ها دارای کارکردهای منفی از قبیل عادی‌سازی هنجارشکنی، گسترش خشونت و پرخاشگری، اشاعه فحشا و بی‌بندوباری و تضعیف اعتماد اجتماعی و ... نیز هستند. بر این اساس، تبیین کارکردهای مثبت و منفی رسانه‌ها در این زمینه ضروری می‌نماید. لذا محور پژوهش حاضر توضیح و بررسی نقش‌های مختلف رسانه‌های جمعی در خصوص آسیب‌های اجتماعی است.

بیان اهداف

اهداف اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. تعیین نقش وسایل ارتباط جمعی بویژه رادیو و تلویزیون در بروز آسیب‌های اجتماعی

۲. تعیین نقش وسایل ارتباط جمعی بویژه رادیو و تلویزیون در کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

۳. ارائه راهکارهای لازم برای کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از طریق رادیو و تلویزیون

مبانی نظری

در کل سه دسته رویکرد نظری در زمینه تاثیر وسائل ارتباط جمعی بر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که در این بخش به اختصار به آنها اشاره می‌گردد:

الف) رویکرد آسیب‌زایی رسانه‌ای

بعضی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که رسانه‌ها به خودی‌خود آسیب‌زا هستند. آنان به انفعال مطلق انسان در مقابل رسانه و تاثیر اجتناب‌ناپذیر رسانه‌ها در حیات انسانی اشاره کرده‌اند و معتقدند رسانه‌های گروهی جدید، مهاجمان بیگانه‌ای هستند که پیام، افکار و مفاهیم‌شان را به طور مستقیم به اذهان مخاطبان دست بسته خود القا می‌کنند و می‌توانند پیامدهای منفی و ضداجتماعی به دنبال داشته باشند.

نظریه فشار و بی‌هنجاری «مرتون»، انحراف از واقعیت «از کمپ» و نظریه اجتماعی - رشدی «هوایسمان» و یادگیری اجتماعی «باندورا» در این دسته قرار دارند.

تفسیر مرتون، بی‌هنجاری، شکاف میان اهداف و ارزش‌های فرهنگی و ابزارهای مشروع و قانونی موجود برای رسیدن به این اهداف را به خوبی آشکار می‌کند. (Merton, 1938: 120). از نظر مرتون، رسانه‌های گروهی و بویژه صنعت تبلیغات، فشار بسیار زیادی را بر افرادی که ابزارهای بسیار محدودی برای دستیابی به موفقیت از مجرای قانونی و طبیعی دارند، وارد می‌کنند، زیرا این تبلیغات منشأ بروز حجم زیادی از مطالبات برآورده نشده با فرصت‌های بسیار اندک برای رسیدن به آن خواهند شد. این وضعیت موجب می‌شود برخی از افراد اجتماع، دستیابی به اهداف و ارزش‌های رایج را از مسیرهای غیرمشروع و غیرقانونی جستجو کنند.

از کمپ در کتاب خود: «روانشناسی اجتماعی کاربردی» از سویی، بر انحراف رسانه‌ها از واقعیت تأکید دارد و از سوی دیگر، بر باورهای انسان‌ها و تأثیر آنان از این سوگیری‌ها. (از کمپ، بی تا: ۴۴۱ به نقل از ساروخانی). او معتقد است رسانه‌ها، تبلور جنایت را بیش از اندازه در خود جای دادند، تا آنجا که نتیجه کار چنین شد که واقعیات جنایی را از ناپیدایی و انزوا بیرون آوردند و در بطن اندیشه‌ها جا دادند و فضای ناامنی را رقم زدند. در بعد دوم، به نظر او، مردم فهم و ادراک واقعیت را نه از خود واقعیت، بلکه از واقعیت انعکاس یافته در رسانه‌ها اخذ می‌کنند و این مسئله، آرامش روانی آنان را از بین می‌برد.

به عقیده هویسمان، رفتار اجتماعی فرد را «طرحواره‌های» رفتاری‌ای تعیین می‌کند که در دوران کودکی شکل می‌گیرد. یک طرحواره ذهنی، وقوع حوادث ویژه را در محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند، پیش‌بینی می‌کند و به فرد می‌گوید که به هنگام واکنش نسبت به آن وقایع رفتار او باید چگونه باشد و نتیجه احتمالی آن رفتارها چه خواهد بود. بر این اساس، خشونت تلویزیونی در طرحواره ذهنی تماشاگر «رمزگذاری» می‌شود و اصرار بر تماشای این نوع برنامه‌ها، به حفظ تفکر، اندیشه و رفتار خشن در فرد کمک می‌کند. براساس نظر هویسمان، تماس دایمی و شدید با خشونت تلویزیونی مجموعه‌ای از فرایندهای ذهنی را براساس این عوامل فردی و بین فردی به جریان می‌اندازد که ضمن تندخوتر شدن بسیاری از تماشاگران، موجب افزایش علاقه درونی آنها به تماشای خشونت بیشتر از تلویزیون می‌شود. (صالحی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۱) نظریه یادگیری اجتماعی باندورا نیز در زمینه افزایش خشونت و پرخاشگری کودکان بر اثر تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون، این نکته را صحت می‌گذارد که کودکان پس از مشاهده برنامه‌های خشونت‌آمیز در تلویزیون، از رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز تقلید می‌کنند (شهاب، ۱۳۸۴: ۱۴). براساس این نظریه، همان طور که کودکان مهارت‌های شناختی و اجتماعی را از طریق مشاهده عملکرد والدین، خواهران، برادران، همکلاسی‌ها و معلمان خود می‌آموزند، با تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون یاد می‌گیرند که پرخاشگرانه رفتار کنند. مطالعات آزمایشگاهی، بارها نشان داده است که کودکان پس از مشاهده برنامه‌های خشونت‌آمیز در تلویزیون، از رفتارهای پرخاشگرانه تقلید می‌کنند. (پیر، ۱۹۷۸: ۱۱۱، به نقل از حسینی)

نظریه‌های حساسیت‌زدایی، کرخت‌سازی، نبود بازداري، اثر بلع، توجیه و ناکامی - پرخاشگری نیز در این دسته قرار دارند.

ب) رویکرد تطهیر رسانه‌ای

بعضی از اندیشمندان معتقدند که رسانه‌ها به خودی‌خود مفید هستند و موجبات ارتقای انسان، فرهنگ و اندیشه انسانی را فراهم می‌آورند. آنان معتقد به تأثیر رسانه‌های جمعی بر کاهش انحراف‌های اجتماعی هستند. نظریه حساس‌زایی، نظریه پالایش روانی فروید و نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و رکلس در این دسته قرار دارند.

طبق نظریه حساس‌سازی، رسانه‌ها موجب می‌شوند که انسان‌ها نسبت به هر گونه انحراف و جنایت حساسیت نشان دهند و در برابر به آن آگاه و هوشیار باشند. بعضی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که رسانه‌ها، موجب می‌شوند انسان‌ها نسبت به هر گونه جنایت، حساسیت نشان دهند و هشیاری لازم را داشته باشند. طبق نظریه حساس‌سازی، رسانه‌ها موجب می‌شوند که انسان‌ها نسبت به هر گونه انحراف و جنایت حساسیت نشان دهند و در برابر به آن آگاه و هوشیار باشند. (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۱۷۷) براساس نظریه تخلیه یا پالایش روانی که

مبتنی بر رویکرد روانکاوی فروید است و لئو بوگارت و برونوبتلهایم نیز از آن حمایت کرده‌اند، هر شخصی می‌تواند تمایلات پرخاشگرانه درونی خود را از طریق تماشای صحنه‌های خشونت‌آمیز تخلیه کند و در نتیجه رابطه مسالمت‌آمیزی با دیگران برقرار کند. (همان)

هیرشی و رکلس نیز در نظریه کنترل اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کنند که رسانه‌های جمعی از طریق سازوکارهایی چون تقویت پیوندهای اجتماعی، تشدید تعهد و دلبستگی فرد به اطرافیان و ... می‌توانند در دور کردن افراد از انحرافات و جرم تأثیر داشته باشند. (علیخواه، ۱۳۸۰: ۱۵)

ج) رویکرد مشروط رسانه‌ای

بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که رسانه‌ها تأثیری یکسان بر افراد ندارند. نظریه‌های ادراک تفاضلی، گزینش تفاضلی و برداشت تفاضلی در این دسته قرار دارند براساس این نظریه‌ها، اگر یک هزار انسان، یک پیام خاص را از طریق یک وسیله معین و در یک زمان معین دریافت کنند، همگی دقیقاً برداشت، ادراک و تفسیر معنایی یکسانی از آن نخواهند داشت و عواملی چون سن، جنس، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و ... این تأثیر تفاضلی را موجب می‌شوند.

نظریه کل‌گرایی نیز در همین ردیف قرار دارد. بر اساس اندیشه‌های کل‌گرایان، برای شناخت کل حاصل شده، باید به نوعی؛ به یک دوره و چرخه تویلی متوسل شد؛ یعنی برای شناخت کل، لازم است عناصر را نیز شناسایی کنیم و به طبع جهت شناختن عناصر، شناخت کل ضرورت دارد. (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۳۴۲). کل‌گرایان معتقدند برای شناخت تأثیر برنامه‌های آسیب‌زای رسانه‌ها، باید نه به یک عنصر یا عامل، که به چندین عامل توجه کرد، اصول و مبانی اندیشه این متفکران چنین است:

۱. تلویزیون یا هر رسانه دیگر، به تنهایی قادر به ایجاد گرایش‌های انحرافی نیستند.
۲. تصمیم به عمل انحرافی، تعدد علل و عوامل را می‌طلبد، تلویزیون، سینما یا وسایل دیگر ارتباطی می‌توانند عامل «تسهیل‌کننده» جریان موجود یا عامل «شتاب برانگیز» یا «تشدیدکننده» عوامل پیشین باشند.
۳. عوامل گوناگون «درون‌زاد» و «برون‌زاد» بر ذهن تأثیر گذارند. منظور از عوامل درون‌زاد، همان عوامل متراکم در ذهن است و عوامل برون‌زاد نیز عوامل محیطی به حساب می‌آیند.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است روش اسنادی بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای استوار است. در این روش با استفاده از منابع اطلاعاتی مکتوب و online و اسناد و مدارک معتبر، شواهد علمی لازم برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش جمع‌آوری و ارائه شده است.

یافته‌ها

تاکنون هیچ حوزه فکری و نظریه‌پردازی، نقش وسایل ارتباط جمعی بر آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی را نفی نکرده است. پژوهش‌های گوناگون در جوامع مختلف به تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر بروز، کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اشاره دارند.

در این نوشتار، پیش‌فرض‌ها وجود رابطه مذکور است و هدف اثبات وجود همبستگی میان دو مقوله «رسانه» و «آسیب اجتماعی» نیست؛ چرا که این بحث در پژوهشی مستقل و با روش‌های پژوهشی خاص، قابل طرح و پیگیری است. بنابراین، با فرض وجود همبستگی میان این دو مقوله، به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. سازوکار تأثیرگذاری وسایل ارتباط جمعی بر بروز، کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی چگونه است؟

۲. چه راهکارهایی برای ایفای نقش مثبت رسانه‌های جمعی بالاخص رادیو و تلویزیون در کنترل و پیشگیری

از آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؟

در پی بررسی منابع مختلف جهت پاسخ به سوال‌های مذکور این مطلب دریافت می‌شود که رسانه‌ها مشحون از «به کارکردها» و «دژ کارکردها» هستند. در این بخش تلاش شده است کارکردهای مثبت و منفی وسایل ارتباط جمعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت در بخش پیشنهادات راهکارهایی جهت ایفای نقش مثبت رادیو و تلویزیون در جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ارائه شده است.

الف) کارکردهای مثبت وسایل ارتباط جمعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی

۱. اطلاع‌رسانی و هشدار

یکی از کارکردهای اساسی رسانه‌ها اطلاع‌رسانی از وقایع است که در محیط اجتماعی واقع می‌شود امروزه تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در رسانه‌ها رسوخ کرده و از خصوصی‌ترین رفتار انسان‌ها تا بزرگ‌ترین تغییرات نهادهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی و سیاسی تحت تأثیر رسانه‌هاست.

گاه رسانه‌های جمعی اعم از روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، از انحرافات اجتماعی نظیر تجاوز، خشونت، قتل و ... پرده برمی‌دارند و زوایای پنهان داستان‌های عشقی و جنایی را برای مخاطبان خود آشکار می‌سازند و

انواع دام‌هایی را که بر سر راه جوانان قرار دارد، به آنان گوشزد می‌کنند و راه‌های لغزش دیگران را برای مخاطبان به تصویر می‌کشند و با اطلاع‌رسانی بموقع و مناسب برای اعضای جامعه، در پیشگیری از انحرافات اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش‌های هنری، پیامدهای مختلف تزلزل باورها و ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطبان خود یادآورد شوند. بر این اساس، یکی از وظایف و کارکردهای مهم رسانه‌ها، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی است؛ اطلاع‌رسانی درباره وقوع جرایم و انحرافات اجتماعی و کیفیت وقوع و ابعاد و راه‌های لغزش افراد به سوی کجروی و هنجارشکنی و در بعد دیگر ایجاد نفرت از وقوع انحرافات و جرایم اجتماعی. (شفیعی‌سروستانی، ۱۳۸۵: ۳)

۲. آشناسازی با قوانین و مقررات کیفری

قوانین در هر جامعه‌ای مبنای اصلی نظم اجتماعی محسوب می‌شوند، به طوری که بدون وجود قوانین، نظم و انتظام اجتماعی میان افراد، سازمان‌ها و نهادهای مدنی غیرممکن خواهد بود. قانون، جایگاه هر فرد را در نظام قشریندی، معین می‌سازد و توقعات و انتظارات را در جهت منطقی هدایت می‌کند.

ارائه گزارش از ضوابطی که قانون عرضه می‌کند و کیفری که قانون برای متخلفان معین ساخته است، کارکرد ارزشمندی است که رسانه‌ها در عصر ارتباطات برعهده دارند.

رسانه‌های جمعی از طریق تبیین قانون و مقررات می‌کوشند تا رفتارهای افراد را در مسیر هنجارهای تعریف شده جامعه رهبری کنند و از طریق اقناع و رسوخ به ذهن انسان‌ها، به درونی‌سازی، جذب و پذیرش قلبی هنجارها می‌پردازند.

رسانه‌ها با نمایش کیفرهایی که برای مجرمان به دلیل تخلف و تخطی از قانون در نظر گرفته شده است، می‌توانند در کاهش جرم تأثیرگذار باشند. (همان: ۴)

۳. کنترل اجتماعی

در تعریف کنترل اجتماعی گفته‌اند: کنترل اجتماعی به مجموعه شیوه‌ها، تدابیر و وسایلی اطلاق می‌شود که یک جامعه یا یک گروه در راه تحقق اهداف خود و هدایت افرادش به رعایت آداب، شعایر، مناسک و هنجارهای پذیرفته به کار می‌گیرد. (ساروخانی، دایره‌المعارف علوم اجتماعی: ۶۹۸، به نقل از سروستانی)

کنترل اجتماعی به دو شیوه انجام می‌شود: یکی از طریق فشارهای اجتماعی که ابزار آن همان «قوانین و ضمانت اجرای» آن است و دیگری از طریق «اقناع» که افراد را به رعایت هنجارها ملزم می‌کند.

رسانه‌های همگانی نیز دارای کارکرد کنترل اجتماعی هستند. رسانه‌ها با درج و انعکاس نابهنجاری‌های اجتماعی و عواقب شومی که در انتظار افراد کجروست، به طور غیرمحموس، به کنترل و پیشگیری از نابهنجاری‌ها در جامعه اقدام می‌کنند. رسانه‌ها عمدتاً از طریق اقناع‌پذیری بهتر می‌توانند در کنترل اجتماعی مؤثر باشند.

۴. پیشگیری از جرم

عملکرد رسانه‌ها در شکل دادن به تعریف جرم و کجروی، نقش آنها را در ایجاد تغییرات قانونی و تقویت انواع خاصی از راهکارهای عملیاتی پلیس، به نقش بسیار مؤثری بدل می‌کند. برای مثال می‌توان به اتخاذ شیوه‌هایی برای کنترل اماکن خاص اشاره کرد. (داوری و سلیمی، ۱۳۸۰: ۱۶۰)

رسانه‌های جمعی از طریق اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی، تأثیر بر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی، تأثیر بر الگوهای رفتاری و ایفای نقش تفریحی و سرگرم‌کنندگی می‌توانند نقشی بسیار گسترده و تعیین‌کننده در پیشگیری از جرم داشته باشند.

۵. تقویت و تحکیم اخلاق اجتماعی

اهمیت نقش رسانه در سلامت اخلاقی جامعه انکارناپذیر است و خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، از تأثیرپذیری بیشتری در این زمینه برخوردار است. رسانه می‌تواند با ارائه برنامه‌هایی، در تقویت قیود اجتماعی و پیوندهای خانوادگی مؤثر واقع شود. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی می‌گوید: افراد زمانی بزهکار می‌شوند که نسبت به قیود اجتماعی کم‌اعتنا یا بی‌اعتنا شوند. این قیود عبارتند از: وابستگی مانند وابستگی فرزندان به والدین؛ تعهد مانند تعهد به پیروی از دستورات مذهبی یا حفظ شئون خانوادگی؛ درگیر بودن یعنی اشتغال فرد به فعالیت‌های گوناگون، به نحوی که فرصتی برای کارهای خلاف نداشته باشد؛ باورها یعنی میزان اعتباری که فرد برای معیارهای قراردادی جامعه قایل است و در حالی که می‌تواند به میل خود از هنجارهای اجتماعی عدول کند، پایبند به آنها باقی می‌ماند، مانند باور به نیکوکاری، باور به محرمات و مانند آن. (مشکاتی، ۱۳۸۱: ۴۳ به نقل از لیبی)

نقش دیگر رسانه در سلامت اخلاقی جامعه، ایجاد باورها و اعتقاداتی است که رفتار ما را شکل می‌دهند و درونی می‌کنند؛ یعنی همان جامعه‌پذیری که در علم جامعه‌شناسی از آن یاد می‌شود.

گربنر معتقد است، درس‌هایی که ما در دوران کودکی از تلویزیون می‌آموزیم، گاه پایه‌هایی برای جهان‌بینی گسترده ما می‌شوند. تلویزیون منبع معناداری برای ارزش‌های عرفی، عقاید قالبی، ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌هاست.

(Gerebner, 1994 : 31)

بنابراین از طریق وسایل ارتباط جمعی می‌توان اخلاق اجتماعی نزد اعضای جامعه را با درونی کردن هنجارهای اخلاقی تقویت و تحکیم کرد.

۶. آموزش مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی افراد را قادر می‌سازند تا به طور مؤثری با مقتضیات و چالش‌های زندگی روزمره مقابله کنند. آموزش این مهارت‌ها موجب ارتقای رشد شخصی و اجتماعی، محافظت از حقوق انسان‌ها و پیشگیری از مشکلات روانی اجتماعی می‌شود. (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۷).

به طور کلی مهارت‌های زندگی ابزاری قوی در دست متولیان سلامت روانی - اجتماعی جامعه هستند و وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از متولیان سلامت جامعه نقش بسیار مهمی در آموزش مهارت‌های زندگی به افراد جامعه دارند. این وسایل، بویژه تلویزیون، با مخاطب‌شناسی علمی و اولویت‌بندی مهارت‌های زندگی می‌تواند نقش مؤثر خود را در توانمندسازی افراد جامعه به خوبی ایفا کند.

ب) کارکردهای منفی وسایل ارتباط جمعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی

۱. انتقال فناوری جنایی:

در گذشته، مجرمان در شب‌های طولانی زندان، به تبادل اندیشه و افکار و انتقال تجربه‌ها دست می‌زدند، اما اکنون رسانه‌ها با تولید انبوه فیلم‌های جنایی، سبب انتقال این تجربه‌ها و فنون جنایی به کل جامعه شده‌اند. به عبارت دیگر، رسانه‌ها در زمینه ایجاد خشونت، جرم و جنایت، انحرافات اجتماعی و ... دخالت (گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم) دارند (ساروخانی، ۱۳۸۱ : ۱۲۵). ذکر جزئیات رفتارهای جنایی و شیوه‌هایی که مجرمان برای ارتکاب جرم از آنها استفاده می‌کنند، برای کسانی که مستعد ارتکاب جرم هستند، نوعی آموزش ترفندها و مهارت‌های ارتکاب جرم محسوب می‌شوند. (فرجی‌ها، ۱۳۸۵ : ۷۸)

۲. دگرگونی ارزش‌ها

رسانه‌ها بویژه رسانه‌های دیداری، با تولید برنامه‌های جنایی موجب می‌شوند، نوجوانان و جوانان با قهرمانان جنایی، احساس «همدلی» کنند که گاه این احساس به ایجاد «هویت یگانه» در آنها منتهی می‌شود. در پرتو این حرکت ذهنی، نوجوان، آن قهرمان را به عنوان الگو و مرجع برمی‌گزیند و جنایت او را، ارزشی مثبت تلقی می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۸۱ : ۱۲۵)

استفاده نادرست از برخی رسانه‌ها، سبب شده است بسیاری از افراد جامعه و بویژه نسل نوجوان و جوان، در برابر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مقاومت کنند و در برابر ویرانگری و نابودی ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی بی‌تفاوت شوند.

۳. بسط و توسعه بی‌تفاوتی

وقتی هر شب، در خانه‌ها جنایتی رخ دهد، کسی کشته شود و سرقتی انجام گیرد؛ به طور طبیعی این امکان وجود دارد که این موضوع در جریان زندگی عادی و طبیعی انسان‌ها نیز اثر بگذارد. بدین معنی که انسان‌ها نسبت به جنایت، «بی‌تفاوت» شوند یا حتی «احساس کرختی» کنند. چنانکه گفته‌اند: در نیویورک، جنایتی رخ داده و جنازه‌ای بر زمین افتاده بود. یازده نفر از کنار آن عبور کردند، اما هیچ یک از آنان برای بررسی این جنایت، حتی زحمت ایستادن را نیز به خود نداد! (همان: ۱۲۶)

۴. بسط خشونت

«خشونت» پدیده‌ای نو نیست و تاریخ، همواره شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز و عنان گسیخته افرادی چون چنگیزها، آتیلاها و تیمورها بوده، اما پیدایی رسانه‌ها و تولید فیلم‌های خشن و نشر اخبار جنایی یا تشنج‌زا باعث گسترش خشونت در جامعه شده است. (همان: ۱۲۶)

صاحب‌نظران ارتباطات معتقدند، رسانه‌ها قادرند فنون ارتکاب جرایم را بیاموزند، جرایم را مهیج و لذت‌بخش جلوه دهند، به ترویج ارضا شدن آنی کمک کنند و فرد را به همانندسازی با مجرم راغب سازند. (فیروزبخت: ۲۳۷ - ۲۳۱ به نقل از شفیع‌سروستانی)

۵. اشاعه فحشا و بی‌بندوباری

یکی از کارکردهای رسانه‌های جمعی، مفهوم‌سازی و به تبع آن، شکل دادن به هنجارهای مناسب با آن مفهوم است. بر این اساس، ارائه تصاویر مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی از طریق رسانه‌های جمعی و نگارش فنون خلاف اخلاق و پورنوگرافی می‌تواند منجر به گسترش جرایم بویژه جرایم جنسی شود. (شفیع‌سروستانی، ۱۳۸۵: ۷)

۶. تحدید مفهوم جرم

رسانه‌ها تأثیر بسزایی بر تصویر کلی از جرم در جامعه دارند تا آنجا که تصورات و پنداره‌های موجود درباره

جرم اغلب محصول رسانه‌هاست. رسانه‌ها به طور معمول جرم را در قالب نوعی جرم خیابانی معرفی می‌کنند؛ مفهومی که با ایجاد رعب و وحشت در میان افراد جامعه گره خورده و خشونت رکن عمده آن است. بدین ترتیب جرایم دیگری نظیر تخریب محیط زیست، حیف و میل اموال عمومی، جرایم مربوط به بهداشت و امنیت غذایی و ... کمتر مطرح می‌شود. (همان: ۶)

۷. ایجاد امواج جرم

رسانه‌ها اغلب با بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی برخی از جرایم، آنها را بیشتر در معرض دید مخاطبان قرار می‌دهند؛ به این ترتیب که با ارائه گزارش‌های مکرر از ارتکاب برخی اشکال خاص جرم شامل جرم خیابانی مانند ضرب و شتم، تجاوز به عنف و قتل، موجب می‌شوند توجه افکار عمومی با شدت بیشتری، به این دسته از جرایم جلب شود. نکته جالب توجه آن است که برای تحقق مفهوم امواج جرم، ضرورتی وجود ندارد که موارد وقوع یک رفتار مجرمانه در عمل نیز افزایش داشته باشد، بلکه کافی است در افکار عمومی این تلقی ایجاد شود که این جرایم با شدتی قابل توجه رو به فزونی است. (همان)

۸. عادی‌سازی هنجارشکنی

هر اندازه ناهنجاری در نظر کنشگران اجتماعی، امری زشت و غیرمنطقی جلوه کند، به همان میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از هنجارهای اجتماعی کاهش خواهد یافت. نمایش کجروی‌های اجتماعی در رسانه‌ها در کاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تأثیر بسزایی دارد، زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها، درمی‌یابد که هنجارهای اجتماعی که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند، لذا انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می‌شود و این یکی از کارکردهای منفی بیان کجروی‌ها و انحرافات اجتماعی در رسانه‌هاست. (همان)

۹. تضعیف اعتماد اجتماعی

اعتماد اعضای جامعه به یکدیگر، سرمایه اصلی تعامل اجتماعی است؛ تعاملی که برای رفع نیازهای زیستی و اجتماعی اعضای جامعه صورت می‌گیرد، لذا تضعیف این اعتماد مشکلات بسیاری را در مراودات اجتماعی و تأمین خواسته‌های افراد ایجاد خواهد کرد. یکی از عوامل تضعیف اعتماد اجتماعی ترویج انحرافات اجتماعی از طریق رسانه‌هاست. زیرا بیان و نمایش انواع انحرافات از رسانه‌ها و اعلام رشد آن، فضایی از سوءظن و تردید

نسبت به سایر افراد جامعه را ایجاد می‌کند و احتمال وقوع این انحراف را از سوی تک‌تک اعضای جامعه تقویت می‌نماید و موجب تضعیف روحیه اعتماد عمومی و در نتیجه تعامل اجتماعی می‌شود.

انعکاس انحرافات اجتماعی علاوه بر سست کردن اعتماد اجتماعی، احساس تعلق جمعی را از بین می‌برد و روابط اجتماعی افراد را دچار مشکل می‌کند.

رسانه‌ها گاه با انعکاس آمار و ارقام اغراق‌آمیز جرایم، می‌توانند اعتماد اجتماعی را نسبت به نظام سیاسی نیز تضعیف کنند برای نمونه انعکاس پرونده‌های کلان اختلاس‌های عمومی یا پرونده‌های مربوط به رابطه میان حاکمیت و مردم می‌تواند منجر به سلب اعتماد شود. (همان: ۸)

۱۰. شکستن حریم خصوصی افراد

هر چند افراد جامعه بر اثر داشتن ارتباطات اجتماعی وسیع با کنشگران، دارای وجوه مشترک رفتاری هستند، اما هر یک از آنها حریمی خصوصی دارند که مربوط به امور شخصی و خانوادگی و روابط میان فردی آنهاست. تمام اعضای جامعه تلاش می‌کنند این حریم (نظیر میزان علاقه به همسر و فرزند، اختلافات خانوادگی، روابط، سلیق، رفت و آمدها، میزان درآمد و سفرها و ...) را از دسترس دیگران دور نگاه دارند. از سوی دیگر، مطبوعات به دلیل وظیفه خبررسانی و اطلاع‌رسانی خود، با ورود به اسرار خصوصی افراد، به ناچار اصل ممنوعیت ورود به این حریم را نقض می‌کنند. (همان: ۹)

۱۱. تحریک و تغییر در الگوهای مصرف و میل به زیاده‌خواهی و تنوع‌طلبی

رسانه‌ها، از طریق تبلیغات گسترده تجاری، در واقع تمایل به مصرف‌زدگی و گرایش به زیاده‌خواهی را تشدید می‌کنند. (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

۱۲. از بین بردن تعادل روانی انسان‌ها

رسانه‌های جمعی، با تحریک نیاز و میل به مصرف‌گرایی افراد جامعه و همچنین ایجاد نیازهای مصنوعی، به نوعی موجب از بین رفتن تعادل روانی انسان‌ها می‌شوند. (همان)

۱۳. فرهنگ‌زدایی

امروزه رسانه‌ها، با استفاده از فناوری‌های پیشرفته و برتر خود، توانسته‌اند در تمام عرصه‌های جهانی به طور آشکار، تجلی یابند. قدرت‌های بزرگ جهان نیز، رسانه‌های جمعی را به صورت «انحصاری» یا «شبه انحصاری» در اختیار گرفته و در نتیجه به فرهنگ‌های ضعیف تاخته‌اند و شکافی وسیع در برنامه‌های توسعه فرهنگی به

وجود آورده‌اند. (همان)

۱۴. قوم‌کشی

گروهی از رسانه‌های جمعی که در خدمت زر و زور و قدرت هستند در صحنه‌های جهانی، علاوه بر امحا و نابودی نسل‌ها، به محو کامل ارزش‌ها و فرهنگ‌های ملل نیز، مبادرت ورزیده‌اند. ما امروز تنها شاهد حضور فیزیکی سرخپوستان در عرصه‌های اجتماعی هستیم؛ یعنی نسل آنان اگر چه به طور کامل نابود نشده، اما به جرأت می‌توان گفت آداب، عادات، زبان، سنن قومی و شعائر آنها از دست رفته است. (همان : ۱۲۹)

۱۵. زایل ساختن سازوکارهای کنترل بیرونی و درونی

عملکرد برخی رسانه‌ها در ارائه تصویری تحقیرآمیز از نظام عدالت کیفری ممکن است تأثیر کنترل بیرونی را کاهش دهد. نمایش ناکارآمدی عدالت کیفری و ایجاد تردید در انسجام، بی‌طرفی یا کارایی و اثربخشی آن باعث تضعیف مشروعیت نهادهای عدالت کیفری و کاهش همکاری مردم با پلیس و دستگاه قضایی می‌شود و با کاهش احتمال دستگیری، افراد مستعد بزهکاری با خیال آسوده‌تری مرتکب جرم می‌شوند. از سوی دیگر، بخشی از نظریه‌های مربوط به ارتباط میان بازتاب رسانه‌ای جرم و رفتار مجرمانه به این ادعا مربوط می‌شود که رسانه‌ها با نمایش مستمر تصاویر فریبنده و خوشایند از ارتکاب جرم و اسطوره‌سازی از مجرمان، کنترل‌های درونی را تضعیف می‌کنند. (فرجی‌ها، ۱۳۸۵ : ۸۰)

نتیجه‌گیری

جهانی که انسان امروز در آن زندگی می‌کند، جهان پیام‌هاست و ظهور رسانه‌های مدرن، تحولی شگرف و عظیم در فرآیند انتقال پیام به وجود آورده است، به گونه‌ای که اکنون در قرن بیست و یکم، انسان بیش از پیش

خود را در سیطره رسانه‌ها می‌بیند. بسیاری از اندیشمندان، بر این عقیده‌اند که در گردونه رسانه‌ها، انسان‌ها تولدی تازه می‌یابند، انسان‌هایی دیگر می‌شوند و عادات، اندیشه‌ها و ارزش‌های تازه‌ای می‌آموزند. در این میان، رسانه‌های تصویری جایگاه ممتازی دارند و نقش آنها در آموزش، هدایت، جهت‌دهی و قالب‌سازی افکار عمومی جامعه انکارناپذیر است.

در حوزه آسیب‌های اجتماعی نیز، رسانه‌ها تأثیر بسیار و کارکردهای مثبت و منفی فراوانی دارند. رسانه‌های جمعی اعم از روزنامه‌ها، نشریات، رادیو و تلویزیون، با آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی در زمینه وقوع جرایم و انحرافات اجتماعی و با شناساندن ابعاد و راه‌های لغزش افراد به سوی کجروی و هنجارشکنی، در پیشگیری و کنترل انحرافات اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش‌های هنری و با ارائه الگوهای رفتاری درست، هنجارهای اخلاقی را در افراد جامعه درونی کنند و نفرت و زشتی تزلزل‌باورها و ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطبان خود القا کنند.

رسانه‌های جمعی از طریق تبیین قانون و مقررات می‌توانند رفتارهای افراد را در مسیر هنجارهای تعریف شده جامعه رهبری کنند و با ترویج روحیه قانون‌گرایی و با ارائه فواید و منافع قانون نشان دهند که به عنوان ایدئولوژی توجیه‌گرا برای عملکرد قدرتمندان و حاکمان عمل نمی‌کنند، بلکه تذکرات قانونی را به عنوان مبنای نظم اجتماعی مطرح می‌کنند.

رسانه‌ها با نمایش کیفرهایی که در برابر تخلف و تخطی از قانون، برای مجرمان در نظر گرفته شده است، می‌توانند در کاهش جرم تأثیرگذار باشند. همچنین از طریق نشان دادن عواقب انسان‌های کجرو، زشتی و قبح انحراف و جرم را در ذهن مخاطبان ترسیم کنند و مایه عبرت‌آموزی انسان‌ها باشند.

رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از متولیان سلامت جامعه، نقش بسیار مهمی در آموزش مهارت‌های زندگی به افراد جامعه و توانمندسازی آنان دارند. مهارت‌های زندگی، هم به عنوان یکی از راهکارهای ارتقای سلامت روانی و هم به عنوان ابزاری برای پیشگیری از آسیب‌های روانی - اجتماعی مبتلا به جامعه نظیر اعتیاد، خشونت‌های خانگی و اجتماعی، آزار کودکان، خودکشی و موارد مشابه قابل استفاده‌اند.

ژان کازنو درباره نقش مثبت وسایل ارتباط جمعی می‌نویسد: این اندیشه در نظر مردم رواج یافته است که وسایل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور دارند و می‌توانند تمامی رفتارها را هدایت کنند. این عده بر سازوکارهایی چون هدایت از راه دور (Tele Kineses)، آدمک‌سازی (Robotism)، اثر بلع و بویژه تأثیر بازتاب‌های شرطی

تأکید می‌کنند و معتقدند که درونی کردن (internalization) هنجارها، موجبات آشتی انسان را با خواست جامعه فراهم می‌آورد.

در این صورت انسان‌ها خود به عنوان عاملی در راه حراست از موارث، هنجارها و قوانین جامعه تجلی می‌کنند و وسایل ارتباط جمعی، ابزاری سریع، قدرتمند و مؤثر در تأمین این منظور به شمار می‌روند. اما رسانه‌ها با وجود کارکردهای مثبت در زمینه اطلاع‌رسانی، پیشگیری از جرم و دادن آگاهی به مردم، دارای کارکردهای منفی نیز هستند.

رسانه‌ها بویژه رسانه‌های تصویری، با تولید برنامه‌های جنایی موجب می‌شوند نوجوانان و جوانان با قهرمان جنایی، احساس «همدلی» کنند که گاه این احساس به «هویت یگانه» منتهی می‌شود و در پرتو این حرکت ذهنی، نوجوان آن قهرمان را به عنوان الگو و مرجع برمی‌گزیند و جنایت او را ارزشی مثبت تلقی می‌کند. ذکر جزئیات رفتارهای جنایی و شیوه‌هایی که مجرمان برای ارتکاب جرم از آن استفاده می‌کنند، برای کسانی که مستعد ارتکاب جرم هستند، نوعی آموزش ترفندها و مهارت‌های ارتکاب جرم محسوب می‌شود.

نمایش مداوم خشونت و جرم در رسانه‌های تصویری باعث بی‌تفاوتی انسان‌ها و کرخت شدن آنان می‌شود. ارائه تصاویر مستهجن، مبتذل و خلاف عفت عمومی از طریق رسانه‌های جمعی و نگارش متون خلاف اخلاق و پورنوگرافی می‌تواند منجر به گسترش جرایم بویژه جرایم جنسی شود.

زمانی که ناهنجاری در نظر افراد جامعه، امری زشت و غیرمنطقی جلوه کند، میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از هنجارهای جامعه کاهش خواهد یافت؛ اما انعکاس پی‌درپی کجروی‌های اجتماعی در رسانه‌ها باعث کاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه می‌شود، زیرا فرد درمی‌یابد که هنجارهای اجتماعی که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند، از این رو، انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می‌شود.

ذکر انواع انحرافات از رسانه‌ها و اعلام رشد سرسام‌آور آن، منجر به ایجاد روحیه سوءظن و شک نسبت به سایر افراد جامعه می‌شود و اعتماد اجتماعی را تضعیف می‌کند که در نتیجه، مشکلات عدیده‌ای را در مراودات اجتماعی ایجاد خواهد کرد.

رسانه‌ها از طریق تبلیغات گسترده تجاری، در واقع تمایل به کلاپرستی و مصرف‌زدگی و گرایش به زیاده‌خواهی را تشدید می‌کنند و به نوعی، موجب از بین رفتن تعادل روانی انسان‌ها می‌شوند.

برخی از رسانه‌ها با ارائه تصاویر تحقیرآمیز از نظام عدالت کیفری، تأثیر کنترل بیرونی (پلیس و دستگاه

قضایی) را کاهش می‌دهند.

با توجه به کارکردهای فوق و تفاوت موجود در دیدگاه‌های نظری مطرح شده در مورد ارتباط میان رسانه و انحراف این واقعیت آشکار می‌شود که بسته به نوع نگرش می‌توان تأثیر رسانه‌ها را بر روی آسیب‌های اجتماعی به طور مثبت یا منفی مفهوم‌سازی کرد.

و پایان کلام آنکه رسانه‌های جمعی به طور ذاتی آسیب‌زا نیستند بلکه همانند همه فناوری‌ها، دارای جهاتی مثبت و منفی هستند و نوع استفاده از آنهاست که می‌تواند موجبات تأثیرگذاری منفی یا مثبت آنها را فراهم کند. از رسانه‌ها می‌توان به صورت زمینه‌های آسیب‌رسانی استفاده کرد، یا از آنها دانشگاهی بزرگ ساخت و موجبات ارتقای فرهنگ و آگاهی را فراهم کرد و در نهایت، بهبود حیات آدمیان را موجب شد. رسانه همان‌گونه که می‌تواند آگاه کند، بیاموزد، روشن کند، ترغیب کند، الهام بخشد و احساس برانگیزد، می‌تواند آسیب برساند و گمراه کند.

پیشنهادها

- پیام در برنامه‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی باید به گونه‌ای ارائه شود که ضمن جلب توجه پیامگیر، در چهارچوب ادراکی، نگرشی و ارزشی او باشد.
- رادیو و تلویزیون با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش‌های هنری از طریق اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی، هشیارسازی و آموزش می‌تواند در کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مؤثر واقع شود.
- از به تصویر کشیدن جزئیات رفتارهای جنایی و شیوه‌های ارتکاب جرم پرهیز شود زیرا نمایش این رفتارها، نوعی آموزش ترفندها و مهارت‌های ارتکاب جرم محسوب می‌شود.
- از نمایش خشونت در برنامه‌های مختلف بویژه برنامه‌های کودک اجتناب شود؛ زیرا نمایش فیلم‌های خشن و نشر اخبار جنایی یا تشنج‌زا، باعث بسط بی‌تفاوتی در مخاطب و گسترش خشونت در جامعه می‌شود و بویژه بر روی کودکان آثار سوء فراوان دارد.
- از نمایش قالب‌هایی که در آنها خشونت اقدامی برای حل مشکلات به شمار می‌آید و شخصیت‌های خشن، پیوسته از چنگ قانون می‌گریزند و رنج قربانیان به ندرت نمایش داده می‌شود، پرهیز شود.
- در سریال‌ها و فیلم‌ها از نمایش شخصیت‌های جذاب و زیبا، صاحب اعتبار، محبوبیت اجتماعی و شهرت که مرتکب خشونت یا هر عمل انحرافی می‌شوند، پرهیز شود.

- برای تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی با محوریت آسیب‌های اجتماعی لازم است سیاست‌های نظارتی و حقوقی خاصی پیش‌بینی و اعمال شود و در این امر، از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متخصصان حوزه‌های مختلف ارتباطات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، علوم تربیتی و کارشناسان آموزشی بهره‌گیری شود.
- به اصل تقویت پیام از شبکه‌های مختلف و تداوم و تکرار پیام‌ها در طول زمان توجه جدی شود.
- از تبلیغات گسترده تجاری و کالاهای تجملی که مصرف‌زدگی و زیاده‌خواهی را در جامعه گسترش می‌دهند، پرهیز شود.
- از ارائه تصاویر تحقیرآمیز از نظام عدالت کیفری و نیروی انتظامی که باعث کاهش تأثیر کنترل بیرونی می‌شود، اجتناب شود.
- طی برنامه‌های آگاه‌سازی در حوزه آسیب‌های اجتماعی می‌توان ضمن نمایش برنامه‌ها یا فیلم‌های آموزشی از تلویزیون، جلساتی را به بحث، نقد و تبادل نظر در مورد محتوای این فیلم‌ها اختصاص داد. این جلسات می‌تواند به صورت بحث‌های میان فردی یا گروهی برگزار شود. مطالعات نشان می‌دهد، برگزاری این جلسات به عنوان مکمل، تأثیر فیلم‌های آموزشی را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد.
- فعالیت‌های آگاه‌سازی در حوزه آسیب‌های اجتماعی باید با افزایش و گسترش مداوم اطلاعات مربوط به مشخصات و نیازهای افراد در معرض خطر، عوامل خطر و عوامل محافظت‌کننده همراه باشد.
- برای ایجاد نگرش مثبت و منفی نسبت به یک موضوع، استفاده از گروه همسالان همواره موفقیت‌آمیز بوده است. از این رو می‌توان برای ترغیب افراد بویژه جوانان و نوجوانان به دوری جستن از رفتارهای پرخطر از این روش استفاده کرد.
- قدرت اصلی رسانه‌ها بویژه رادیو و تلویزیون، تقویت ارزش‌های موجود (ارزش‌های اجتماعی، فردی و تعهدات ملی) است. در فعالیت‌های پیشگیرانه با ابزار رسانه‌ها، ارجحیت با تقویت ارزش‌ها و تعهدات اجتماعی، ملی، فرهنگی و مذهبی است. این نقش‌ها، فرد را به عنوان عاملی تأثیرگذار در شبکه جامعه مطرح می‌کنند، مسئولیت‌های جمعی را برای تک‌تک افراد گروه در نظر می‌گیرند، افراد را ملزم به در نظر گرفتن عواقب اجتماعی رفتارهای خود می‌کنند و رعایت ضوابط یک زندگی اجتماعی سالم را متذکر می‌شوند.
- مهارت‌های زندگی، هم به صورت راهکار ارتقای سلامت روانی - اجتماعی و هم به صورت ابزار پیشگیری از آسیب‌های روانی - اجتماعی قابل استفاده هستند. رادیو و تلویزیون نقش بسیار مهمی در آموزش مهارت‌های زندگی به افراد جامعه و توانمند ساختن آنها دارند.

- آموزش‌های کاربردی به افراد مؤثر (والدین و دست‌اندرکاران آموزشی) تأثیر زیادی در کنترل و پیشگیری آسیب‌های اجتماعی دارد. این اطلاعات می‌تواند شامل روش‌های فرزندپروری، معرفی روش‌های محافظت‌کننده در برابر آسیب‌های اجتماعی، معرفی روش برخورد صحیح با جوانان و نوجوانان و یا چگونگی رویارویی با علایم خطر در جوانان و ... باشد.



منابع و مآخذ:

- ۱- داوری، محمد و سلیمی، علی، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی کجروی، قم، پژوهشکده ی حوزه و دانشگاه، چاپ اول
- ۲- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)، نقش وسایل ارتباط جمعی در پیشگیری از وقوع بزهکاری، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- ۳- شفیع سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۵)، انحرافات اجتماعی و رسانه‌ها، فصلنامه تحلیلی و پژوهشی فرهنگ رسانه، شهریورماه سال ۱۳۸۵.
- ۴- شهاب، فوزیه (۱۳۸۴)، تحلیل محتوای پلاتوهای عروسکی برنامه خردسالان سیما از منظر تربیت اجتماعی، مرکز تحقیقات صداوسیما.
- ۵- صالحی‌سده، زیبا (۱۳۸۵)، تحلیل محتوای خشونت در فیلم‌های سینمایی و سریال در تابستان ۸۴، تهران، مرکز تحقیقات صداوسیما.
- ۶- علیخواه، فردین (۱۳۸۰)، نقش صداوسیما در ترویج رفتار قانونمند، مرکز تحقیقات صداوسیما.
- ۷- فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۵)، بازتاب رسانه‌ای جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- ۸- لیبی، محمدمهدی، (۱۳۸۶)، رسانه و آموزش سلامت خانواده، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۴۹.
- ۹- معتمدی، محمد، (۱۳۸۲)، اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در کشور ایران، تهران، معاونت پژوهشی سازمان بهزیستی کشور

10- Merton, Robert.k, *Social Theory and Social Structure*. 2nd Revised Edition. New York: Free Press, 1938.

11- Gerebner, george (1994) *Growiny up withup with television the cultivation perspective*. Inj. Media effets intheory and research